

## بررسی نمادهای اعتراف، تعمید و عشاء ربانی در کلیسای نسطوری براساس متون منتخب سُغدی مسیحی مکشوف در محوطه‌ی باستانی تورفان چین

آذر سرمدی جو<sup>۱</sup>، زهره زرشناس<sup>II</sup>

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2017.13315.1581  
 تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸  
 (از ص ۱۴۹ تا ۱۶۴)

### چکیده

I. دانشجوی دوره‌ی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
 II. استاد گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)  
 zzarshenas@gmail.com

زبان سُغدی، زبان مردمان سرزمین سغد بوده است. مرکز سغد سمرقند و مهم‌ترین شهر آن‌ها، بخارا در جمهوری ازبکستان کنونی بوده است. زبان سُغدی به‌عنوان یکی از زبان‌های ایرانی در آسیای مرکزی در بیان و بازتاب دستورات و سنت‌های دینی برخی ادیان پیش از اسلام کاربرد وسیعی داشته است. افزون بر این زبان سُغدی، زبان اداری، تجاری و فرهنگی در نواحی دیگر، مانند واحه‌های تورفان در ترکستان شرقی بوده است. در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۷ م. یک هیأت اعزامی آلمانی موفق به کشف مجموعه متون سُغدی در خرابه‌های صومعه‌ی مسیحیان نسطوری در بولاییق واقع در واحه‌ی تورفان در شمال چین شد، که این متون مشتمل بر نمادهای اعتراف، تعمید و عشاء ربانی در مسیحیت شرقی است. پرسش اصلی در این پژوهش این است که زبان سُغدی چه نقشی در گسترش و نشر مسیحیت در شاهراه ابریشم داشته است و نمادهای مسیحیت غربی (کاتولیک) تا چه اندازه در مسیحیت شرقی (ارتدوکس) حفظ شده‌اند؟ و درنهایت، مسیحیت شرقی در مبانی و آموزه‌های مسیحیت نوآوری کرده است؟ فرضیه‌ی نوشتار حاضر این است که نمادها در مسیحیت شرقی تقریباً با نمادهای مسیحیت در کلیسای رُم یکسان است و دیدگاه کلیسای نسطوری درباره‌ی ماهیت وجودی عیسی با کلیسای کاتولیک رُم مطابقت ندارد. این پژوهش با روش تاریخی-تحلیلی براساس منابع، متون و مستندات کتابخانه‌ای انجام گرفته است و برآیند تحقیق نشانگر آن است که آیین اعتراف در آغاز پیدایش مسیحیت به صورت گروهی برگزار می‌شد، اما در ادوار بعد، اعترافات به صورت شخصی و در خفا انجام گرفت. نماد تعمید در هر دو مسیحیت شرقی و غربی متحول شده است و عشاء ربانی یا آیین سپاسگزاری در تمامی فرقه‌های مسیحیت با نام‌های شام خداوند، شکستن نان، مجلس سپاسگزاری و شراکت در شب عید فصیح یهودیان یا به سنت کتاب مقدس، شام آخر، برگزار می‌شود.

**کلیدواژگان:** مسیحیت، زبان سُغدی، تورفان، جاده‌ی ابریشم، نمادهای اعتراف.

## مقدمه

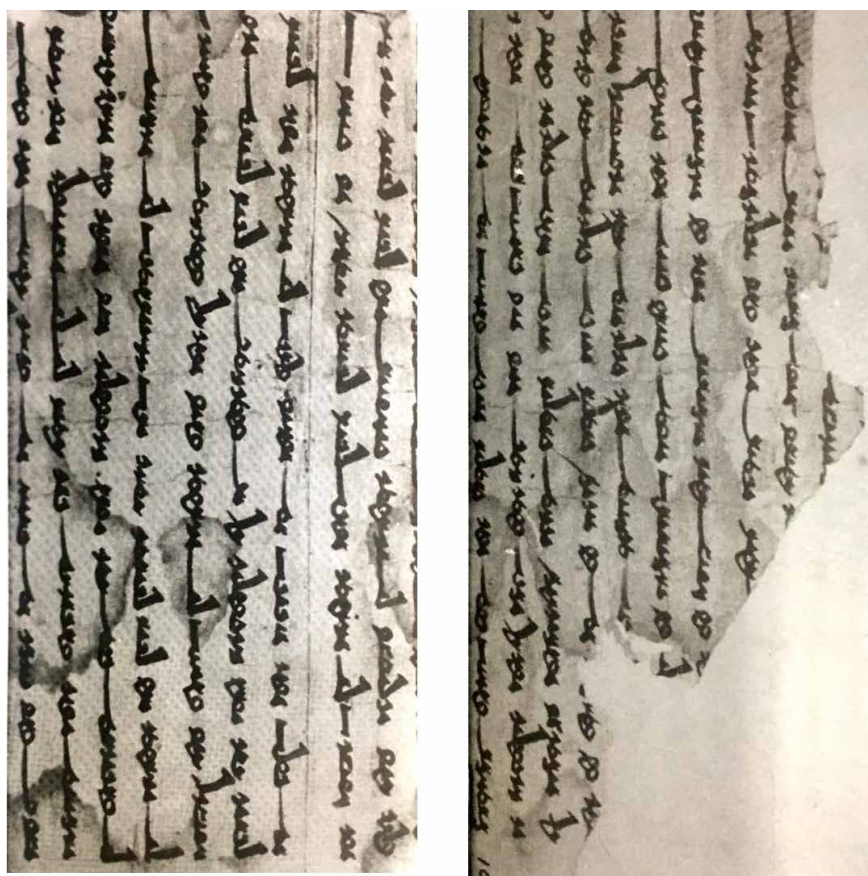
بازرگانان هندوستان سغدی که بیشتر آن‌ها پیرو ادیان بودایی، مانوی و مسیحی بودند؛ افزون بر انتقال کالا، فرهنگ و هنر را در میان جهان شرق و غرب (چین، ایران، هند، و رُم) در میان اقوام آسیای مرکزی و چین نیز منتقل کردند (زرشناس، ۱۳۸۰ الف: ۱۳). حضور در طول شاهراه ابریشم که جاده‌ای فرهنگی، تجاری و مذهبی بوده است، آن‌ها را در معرض نوکیشان و پیروان جدید قرار داده و شاید با اندکی تسامح و استفاده از نفوذ فرهنگی زبان سغدی توانسته‌اند پیروان زیادی را به مسیحیت دعوت کنند (ابوقاسمی، ۱۳۸۴: ۱۴). سغدیان از دیرباز بر دیگر فرهنگ‌ها اثرگذار بودند. آن‌ها از دوره‌ی هخامنشی، یعنی زمانی که خط آرامی سلف خط سغدی، خط رایج در قلمرو شاهنشاهی بود، با کتابت آشنا بودند؛ از این رو بفرمانروایان خویش تأثیر فرهنگی ژرفی نهادند، در نتیجه‌ی این تأثیر فرهنگی است که خط سغدی برای نگارش ترکی باستان، یعنی خط ایغوری به کار رفته است. نام سغد در مراجع چینی به صورت سوتیه آمده است؛ احتمال دارد که نام کوهی که متون چینی کهن برای تسمیه‌ی ناحیه‌ی کش آمده است و تلفظ قدیم آن سوگیت بوده، در اصل همان نام سغد مشتق شده باشد (قریب، ۱۳۸۳: ۱۲). در صحرای گوبی در آسیای مرکزی چندین شهر در نتیجه‌ی طوفان زیر شن رفته و مردم آن شهرها سرزمین خود را رها کرده و از آنجا رفتند و خانه‌های ایشان هم‌چنان زیر شن ماند (تصویر ۱). از اواخر قرن نوزدهم میلادی برخی مسافران متوجه شدند که کاغذ پاره‌هایی گاهی از زیر شن بیرون آمد و بومیان برخی از آن‌ها را به جای شیشه، در و پنجره به کار می‌بردند و خطوطی بر آن هست. انجمن جغرافیایی سن پترزبورگ از سال ۱۸۹۳ تا ۱۸۹۵ م. در آنجا به کاوش علمی پرداخت و نتیجه‌ی آن پیدایش غاری در دون هوانگ چین بود که در میان آن اسنادی به دست آمد. این متن‌ها در مورد اعتراف به گناه و تمسید بود (نفیسی، ۱۳۴۳: ۴۸)، (تصویر ۲). با انتقال این اسناد و مدارک به موزه‌های برلین، پاریس، لندن و سن پترزبورگ (ارمیتاژ)، دانشمندان اروپایی و امریکایی به مطالعه‌ی این دست‌نوشته‌های کهن پرداختند. یکی از این دست‌نوشته‌های مهم، دست‌نوشته‌ی مورد مطالعه در این نوشتار است که در دو برگ کاغذ احتمالاً چینی به خط سغدی است. این دو برگ سند از این لحاظ اهمیت دارند که به موضوعاتی اشاره کرده‌اند که تاکنون در باب موضوع مقاله، کار مهمی صورت نگرفته است؛ بنابراین، نوشتار پیش‌رو ضمن قرائت کامل این دو برگ، آن‌ها را ترجمه و تحلیل نموده است.

**پرسش و فرضیات پژوهش:** پرسش‌های پژوهش عبارتند از: ۱. خط و زبان سغدی چه نقشی در گسترش و نشر مسیحیت در شاهراه ابریشم داشته است؟ ۲. نمادهای مسیحیت غربی (کاتولیک) تا چه اندازه در مسیحیت شرقی (ارتدوکس) حفظ شده‌اند؟ ۳. مسیحیت شرقی یا همان کلیسای نسطوری در مبانی و آموزه‌های مسیحیت بدعت و نوآوری کرده است؟

بر این اساس، فرضیه‌ها عبارتند از: ۱. نمادها در مسیحیت شرقی تقریباً با نمادهای مسیحیت در کلیسای رُم همخوانی دارد. ۲. دیدگاه کلیسای نسطوری



► تصویر ۱. غارهای تورفان (فومشی، ۱۳۹۴: ۳۷).



► تصویر ۲. دو برگ دست‌نوشته‌ی سغدی (زرشناس، ۱۳۸۰ب: ۲۲۸).

درباره‌ی ماهیت وجودی عیسی مسیح علیه السلام با کلیسای کاتولیک رُم همخوانی ندارد. ۳. زبان سغدی از عمده‌ی ابزار مهم فرهنگی برای نشر و گسترش مسیحیت شرقی بوده است.

**روش تحقیق:** روش تحقیق در این پژوهش تاریخی-تحلیلی است که بر اساس منابع کتابخانه‌ای انجام شده است؛ بدین ترتیب که پس از انتخاب چند متن سغدی مسیحی، از متون کشف شده در تورفان، متون حرف نویسی شده، ابتدا آوانویسی و به فارسی برگردانده شده و با استفاده از کتب دستور و واژه‌نامه‌ی سغدی، داده‌های مورد نظر با استفاده از منابع فارسی و لاتینی مربوطه گردآوری و فیش برداری شده، و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. با توجه به محدودیت‌های موجود در ارائه‌ی مقاله، حرف نویسی و آوانویسی متون سغدی مسیحی منتخب حذف شده و فقط برگردان فارسی آن آورده می‌شود.

### پیشینه‌ی تحقیق

زبان سغدی در ایران با بدالزمان قریب (۱۳۷۳) شناخته می‌شود. ایشان گام بزرگی در راه شناساندن زبان سغدی، با تدوین و تنظیم واژه‌نامه‌ی سغدی برداشته‌اند. زهره زرشناس (۱۳۸۰ الف: ۲۴-۱۸) نیز مقالات متعددی درباره‌ی زبان سغدی در نشریات علمی-پژوهشی داخلی و خارجی به چاپ رسانده‌اند. از جمله کارهای انجام شده و مهم در زبان سغدی اختصاراً می‌توان موارد ذیل را بیان کرد:

- فرهنگ سغدی (سغدی، فارسی و انگلیسی)، (قریب، ۱۳۸۳)؛ این واژه‌نامه که در جهان زبان‌شناسی تاریخی، کاری منحصر به فرد است، گنجینه‌ی عظیمی از واژه‌ها و ترکیبات زبان سغدی را در اختیار پژوهشگران این زبان و دیگر زبان‌های کهن ایرانی در رشته‌های مربوطه می‌گذارد و می‌توان آن را به مثابه‌ی ابزار اصلی برای مطالعات زبان‌های ایرانی به کار برد.

- جستارهایی در زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی (زرشناس، ۱۳۸۰ الف)؛ این کتاب مشتمل بر مجموع مقالاتی درباره‌ی زبان و ادبیات سغدی و همچنین مقالاتی مربوط به دیگر زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی است.

درباره‌ی مطالعه‌ی اسناد به دست آمده از واحه‌ی تورفان (۱۹۰۷-۱۹۰۴ م.) درباره‌ی متون سغدی مسیحی، مانوی و بودایی، دانشمندان غربی نظیر: رایشلت<sup>۱</sup>، روزنبرگ<sup>۲</sup>، بنونیست<sup>۳</sup>، گرشویچ<sup>۴</sup>، سیمز ویلیامز<sup>۵</sup>، هنینگ<sup>۶</sup> و... مقالات و کتب نگاشته‌اند. حرف نویسی متون منتخب سغدی مسیحی در این پژوهش، برگرفته از متونی است که هنینگ در قالب متون C2 منتشر کرده است. آثار بسیاری درباره‌ی مطالعات مسیحیت موجود می‌باشند که به دو اثر اشاره می‌شود.

در کتب راهنمای ادیان زنده نوشته‌ی «جان هینلز» (۱۳۸۵) و ادیان آسیایی اثر «مهرداد بهار» (۱۳۸۲) به طور مفصل به سرگذشت مسیحیت در شرق پرداخته شده است؛ افزون بر این از برخی مقالات موجود در دانشنامه‌ی ایرانیکا که در این باره به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند نیز استفاده خواهد شد.

## مبانی نظری

به لحاظ جغرافیایی و تاریخی، زبان سُغدی شاخه‌ای از گروه شرقی خانواده‌ی زبان‌های ایرانی در دوره‌ی میانه‌ی آن قرار دارد و در هزاره‌ی اول میلادی در قسمتی از شرق ایران بزرگ در میان مهاجرنشینان و بازرگانان سُغدی، پراکنده و در طول شاهراه ابریشم زبان زنده بوده است (قریب، ۱۳۹۳: ۸۴).

زبان سُغدی، از نظر تنوع و حجم نگاشته‌ها، مهم‌ترین زبان ایرانی شرقی است و متون دینی بخش بزرگی از این مواد مکتوب را شامل می‌شود. سُغدیان تجارت پیشه، که واسطه‌ی انتقال کالا، فرهنگ و هنر میان: چین، ایران، هند و روم بودند، به تبلیغ ادیان بودایی، مانوی و مسیحی نیز پرداختند؛ از این رو مواد مکتوب سُغدی بیشتر دینی و متأثر از سه دین نام‌برده شده است و به همین اعتبار، به سه گروه متون سُغدی-مسیحی، سُغدی-مانوی و سُغدی-بودایی تقسیم می‌شوند (زرشناس، ۱۳۸۰ الف: ۱۵۴).

بیشتر متون سُغدی مسیحی در زبان سریانی به زبان دینی مسیحیان نسطوری آسیای مرکزی، ترجمه شده است. در این متون واژه‌های سریانی، به ویژه اصطلاحات مذهبی سریانی به وفور به کار رفته است (Williams, 1988).

متون سُغدی مسیحی شامل ترجمه‌ی بخش‌هایی از کتاب مقدس (متی، لوقا، مرقس، یوحنا)؛ سرودهای نیایشی، روایات آباء و بزرگان کلیسا و روایاتی از زندگی و اعمال قدیسان، موعظه، کلمات قصار و عبارات پندآمیز است (همان).

متون سُغدی مسیحی را دانشمندانی چون: زاخا<sup>۷</sup>، مولر<sup>۸</sup>، هانزن<sup>۹</sup>، شوارتز<sup>۱۰</sup> بنویسند و سیمز ویلیامز، مطالعه و بررسی کرده‌اند. هانزن در سال ۱۹۵۴ م. مجموعه‌ی بزرگی از متون سُغدی مسیحی، شامل قطعاتی از کتاب مقدس و آموزه‌های حواریون و بزرگان کلیسا را به آلمانی ترجمه و منتشر کرد (Hansen, 1954: AAWI, M.Nc. 15, C2).

در سال ۱۹۶۷ م. شوارتز متونی را که هانزن مطالعه کرده و برای اولین بار نام مجموعه‌ی «C2» بر آن‌ها نهاده بود، مجدداً و با دقت بیشتری بررسی کرد و آن را به عنوان رساله‌ی دکتری خود در دانشگاه برکلی به چاپ رساند (Schwartz, 1967).

سیمز ویلیامز در سال ۱۹۸۵ م.، متون BSTii، یا C2 را که هانزن و شوارتز بررسی کرده بودند، با تحریرهای سریانی مقایسه و کامل کرد و آن‌ها را به انگلیسی برگردانید و به عنوان رساله‌ی دکتری خود منتشر کرد (Williams, 1985). گرشویچ، متون سُغدی مانوی و بودایی را مطالعه و بررسی کرده و دستور زبان جامع و مشروطی برای زبان سُغدی-مانوی نوشته است، ولی در این اثر افزون بر مثال‌هایی از متون سُغدی-مانوی، شواهد متعددی از متون سُغدی-بودایی و مسیحی نیز آورده است. در این مقاله، برخی متون سُغدی-مسیحی منتخب C2 که هنینگ آن‌ها را حرف‌نویسی کرده (Henning, 1937: p92)، به فارسی برگردانیده می‌شود و چگونگی برخی نمادهای مسیحیت شرقی در آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این متون عناصری چون: اعتراف به گناهان و طلب بخشایش، غسل تعمید و عشاء ربانی بازتاب یافته‌اند.

مجموعه‌ی این متون، شامل دست‌نوشته‌های سغدی-مسیحی است که به دست هیأت آلمانی اعزامی به بولایق، واقع در ده کیلومتری شمال تورفان چین، در سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۷ م.، در خرابه‌های صومعه‌ی مسیحیان نسطوری کشف شده‌اند و با عنوان مجموعه‌های برلین در شهر برلین نگهدای می‌شوند (Williams, 1990: D545).

این متون شامل قطعات S.34-35, S.40-41 هر دو از M 801، درباره‌ی اعتراف به گناهان و طلب بخشایش از گناهان است؛ همچنین قطعاتی از متن ششم، شامل 57V (پشت صفحه) و 57R (روی صفحه) درباره‌ی تعمیر و عشاء ربانی است.

### بررسی موقعیت جغرافیایی-تاریخی تورفان چین

تورفان (/ طرفان / طرفان)، شهری واحه‌ای در مرکز ولایت تورفان در شرق ناحیه‌ی خودگردان سین‌کیانگ (ترکستان شرقی) در کشور چین است. منطقه‌ی تورفان از زمان‌های قدیم، هم از جهت این‌که واسطه‌ی دادوستد بین چین و مغرب بود، و هم از لحاظ سیاسی اهمیت داشت. در دوران پیش‌ازتاریخ، ساکنان تورفان و شهرهایی دیگر، مانند: لولان و کوچه از قوم هند و اروپایی تخار بودند. در سده‌ی دوم قبل‌ازمیلاد این ناحیه امیرنشین بود. در هزاره‌ی اول میلادی ناحیه‌ی تورفان مرکز تمدن پُرقدرتی بود که عناصر هندی و ایرانی در آن درهم آمیخته بود. در منابع چینی نام تورفان (به صورت تولوفن) اول بار در سال ۱۳۷۷ م.، و در منابع فارسی، گویا اول بار در حدود العالم (به صورت تصحیف شده طفقان) و نیز بعدها در جامع‌التواریخ رشیدی ذکر شده است. اهمیت تاریخی تورفان، اساساً به دوره‌ی پیش‌ازاسلامی آن بازمی‌گردد. موقعیت تورفان، وام‌دار قرار گرفتنش در مسیر جاده‌ی ابریشم است که از زمان باستان تا پایان سده‌های میانی، بین چین و غرب و هند مبادله‌ی تجاری و فرهنگی برقرار می‌کرد. این منطقه برای متن‌شناسان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا باستان‌شناسان کشورهای گوناگون، به ویژه آلمان، متن‌های ایرانی باستان را در آنجا یافته‌اند (نفیسی، ۱۳۴۳: ۹۴)، (تصاویر ۳ و ۴).



▲ تصویر ۳. خرابه‌های صومعه‌ی تورفان (نفیسی، ۱۳۴۳: ۲۹).

### اعتراف به گناهان و طلب بخشایش

نماد اقرار به گناهان به شکل آیینی امروزه، مختص مسیحیت است و بخشی از ایمان و وظایف ایشان محسوب می‌شود، اما به نظر می‌رسد که این سنت دارای پیشینه‌ای قدیمی‌تر از آن است. اعتراف‌نامه با محتوای دعا و نیایش و طلب آمرزش را می‌توان از حدود ۲۵۰۰ ق.م. در ادبیات مصر باستان مشاهده کرد. در سنت یهودی مسیحی اعتراف به گناه به صورت علنی یا شخصی برای کسب مغفرت امری ضروری تلقی شده است.

در عهد جدید، پیش از عیسی علیه السلام، تعمیدهای یحیای معمدان نیز با اعتراف عمومی به گناهان توأم بود. رسم اعترافات مفصل‌تر نزد اسقف یا کشیش تقریباً از اوایل تاریخ کلیسا آغاز شد. در ابتدا، اعتراف به گناهان علنی بود و موجب شرمساری و سرافکنندگی گناهکار می‌گردید، به همین دلیل در قرن چهارم برای پیشگیری از



▲ تصویر ۴. موقعیت جغرافیایی تورفان چین (نفیسی، ۱۳۴۳: ۵۸).

هتک آبروی افراد و عوارض احتمالی آن، مقرر شد که اعترافات شخصی در خفا صورت گیرد (هینلز، ۱۳۸۵: ۲۵).

براساس تعالیم کلیسای کاتولیک رُم، آیین اعتراف، یکی از آیین‌های مقدسی است که مسیح علیه السلام پایه‌گذار آن بوده و اعتراف به همه‌ی گناهان بزرگ که بعد از تعمید صورت گرفته، ضروری است. آموزه‌های کلیساهای ارتدوکس شرق، نظیر آسیای میانه و سُغد، در طول شاهراه ابریشم درباره‌ی اعتراف با آموزه‌های کلیسای کاتولیک رُم تقریباً یکسان است.

### الف- متن M801، قطعه‌ی S. 34-35

این قطعه در باب اعتراف به گناهان و طلب بخشایش است و شامل ۳۴ بند است. برخی بندها افتادگی دارند.

برگردان فارسی: (S.34-35)، (جوهر قرمز) دو گونه‌ی فرمان (=دستور) نقض ناشدنی.

(S.34)

(۵۳۰) آب باقی مانده [در] کوزه را

(۵۳۱) ریختم، بیهوده از دست رفت

(۵۳۲) از همه بخشایش (= از همه طلب بخشایش می‌کنم)

(۵۳۳) ... برای این دو گونه (فرمان نقض ناشدنی)

(۵۳۴) مردم زنده، دین

(۵۳۵) [با] شکوه و افتخار (دینی) و بهمن سرزنده

(۵۳۶) که بر مؤمنان فرود آمده

(۵۳۷) است، با شور و اشتیاق

(۵۳۸) آرزو می‌کرد (آن شکوه دینی را)، از من آزرده

(۵۳۹) [و]، و آزرده خاطر شد

(۵۴۰) وقتی که برادر هم‌خانه

(۵۴۱) به خاطر بی‌توجهی من

(۵۴۲) دل شکسته شد

(۵۴۳) و انجمن جنگ [سالاران]

(۵۴۴) ستیزه جو [در] کلام (= با سخنانی که موجب جنگ و نزاع دوستان با

یکدیگر می‌شود)

(۵۴۵) برخاستند و بسیار کسان

(۵۴۶) [با] فساد (در انجام وظیفه) کوتاهی

(۵۴۷) کردند... چنان‌که فرمود

(S.35)

(۵۴۸) آن‌که خویشان بیرون دید

(۵۴۹) [و] در اندرون دیده نشد، او خود

(۵۵۰) پست (حقیر) است [و] دیگر کسان [را]

- (۵۵۱) پست‌تر کند... و من  
 (۵۵۲) برای بخشایش گناه  
 (۵۵۳)... بالاتر، بیشتر  
 (۵۵۴) در فرمانبرداری [از] گناهکارترین  
 (۵۵۵) و بدکارترین ایشان هستم  
 (۵۵۶) روح گند (= متعفن) دشمنی که  
 (۵۵۷) همیشه باز می‌گشت [و] فرّوشی مرا  
 (۵۵۸) تعقیب می‌کرد، باز این  
 (۵۵۹) تن مینوی  
 (۵۶۰) [و] اندام خاکی مرا آمیخته  
 (۵۶۱) [و] پوشیده است (= دربر گرفته است)  
 (۵۶۲) [و] مهارت (= هنر) خویش بر همه‌ی  
 (۵۶۳) دام گیاهی آراسته  
 (۵۶۴) است بر تن گوشتین.

طبق آموزه‌های مسیحیت در کلیسای کاتولیک برای تنبیه شخص مسیحی که مرتکب گناه، اعم از کبیره یا صغیره، شده است شخص گناه‌کار باید از تمامی دل‌بستگی‌های مادی دوری کرده و با اعتراف به گناهان توبه کند (Iranica.org). در این قطعه، شخص نادم به گناهان خود اعتراف می‌کند. او حتی از ریختن آب کوزه و هدر دادن بیهوده‌ی آن ابراز ندامت کرده و طلب بخشایش می‌کند. در حقیقت این آدای احترام به عنصر آب است که در سنت مسیحیت از عناصر اربعه محسوب شده و نماد پاکی است و مورد احترام اولیای دین است. او همچنین از نقض دستورات دینی گلایه می‌کند، دستوراتی که برای مؤمنان وضع شده و عادلانه‌ی نعمات را در اختیار ایشان قرار می‌دهد. بی‌توجهی به برادر هم‌خانه، که شاید منظور بی‌توجهی به افراد جامعه است، همچنین انجمن جنگ سالارانی که به فساد برخاستند و از انجام وظیفه‌ی دینی خود کوتاهی کردند، همه‌ی این‌ها نتیجه‌ی گناه ایشان و البته خود اوست. او با فروتنی خود را بدکارترین و گناهکارترین ایشان قلمداد می‌کند و معترف است که روح متعفن و گندِ دشمنی، فرّوشی، تن مینوی و تن خاکی او را آلوده است.

#### ب- متن M801، قطعه‌ی S.40-41

برگردان فارسی: S40-41 (رنگ زیتونی) پنج هدیه‌ی بغانی  
 (S.40)

- (۶۱۲) چیزهایی پرسیدند و  
 (۶۱۳) [در] جستجو بردباری کردند [اما] بر  
 (۶۱۴) حقیقت (= راستی) شهادت ندادم (= اعتراف نکردم)  
 (۶۱۵) با شور و اشتیاق وافر کوتاهی [آم] را  
 (۶۱۶) پنهان می‌کردم



(۶۱۷) برای همه‌ی آن کوتاهی‌هایم بخشایش

(۶۱۸) خواستم (= طلب آمرزش کردم)

(۶۱۹) پس گناهکار هستم.

(S.41)

(۶۳۰) قصور و عملی

(۶۳۱) ناکامل [من ...] که

(۶۳۲) عشق [را] نگاه نداشته‌ام

(۶۳۳) به جای کینه (= من عشق را به جای کینه حفظ نکرده‌ام)

(۶۳۴) ایستاد، [به جای] ایمان، بی‌ایمانی

(۶۳۵) کامل، کوتاهی و قصور

(۶۳۶) شدید [در] زمان بردباری

(۶۳۷) و نادانی به جای دانش

(۶۳۸) ایستاد

(۶۳۹) و پنج‌گونه شور و اشتیاق اهریمنی

(۶۴۰) که از خود دور

(۶۴۱) نکرده‌ام

(۶۴۲) و چهره‌ی مرا [به] رویارویی

(۶۴۳) قصور و کوتاهی آوردند، روح مقدس

(۶۴۴) از من آزاده

(۶۴۵) شد. برای این، مرگ

(۶۴۶) ارزان (= کیفر) و گناهکار

(۶۴۷) هستم. (به دلیل گناهکاری مستوجب مرگ هستم).

در ادامه‌ی اعتراف‌نامه، او همچنان اعتراف می‌کند که با شور و هیجان ناشی از گناه به حقیقت شهادت نداده و حقیقت قصور خود را پنهان کرده است. او معترف است که به جای عشق و محبت، بذر کینه پاشیده و ایمان جای بی‌ایمانی، نادانی به جای دانش و خردمندی ایستاده است. همچنین پنج گناه اهریمنی را برمی‌شمارد که از خود دور نکرده و به سبب آن، روح مقدس از او آزاده گشته و خود را مرگ ارزان و گناهکاری خواند.

معمولاً اعتقاد بر این است که نماز و نیایش از یک سو بر همه‌ی مسیحیان تکلیف است، و از سوی دیگر امتیازی است که از قابل دسترس بودن جهان متعالی سرچشمه می‌گیرد. اجزای نیایش عمومی و خصوصی فرق چندانی ندارند، به استثنای شکوه و هیبتی که زبان دعا و نیایش برای عبادت دسته‌جمعی فراهم می‌آورد و خودانگیختگی و صرافت طبعی که نیایش‌های شخصی برای فرد پیش می‌آورند (هینلز، ۱۳۸۵: ۲۵۳). رسم و عادت دعای شخصی (فردی) مبتنی بر تأمل، مراقبه و حضور در مسیحیت یافت می‌شود؛ هر چند نه در تمام صور مسیحیت. عرفان مسیحیت سابقه‌ی طولانی از تجربه‌ی معنوی و مخزن پرغنائی از نوشته‌های عرفانی برجای گذاشته است. این مطلب، به‌ویژه در کلیساهای ارتدوکس مسیحیت

شرقی برجستگی خاصی دارد. به نظر می‌رسد در کلیساهای مشرق‌زمین انتقال ایمان و اعتقاد دینی از نسلی به نسل دیگر از طریق دعا و نیایش همگانی صورت گرفته است و نه از مجرای کتاب مقدس و اصول اعتقادی مسیحیت. کلیساهای آسیایی اقرارنامه‌های قدیمی خود را حفظ کرده‌اند که این بیانگر اختلاف نظر آنان با کلیساهای غرب در بیان اعتقاد راجع به شخص مسیح ع است؛ اما تعبیرات کلامی آن‌ها به ندرت در کانون زندگی ایشان قرار داشته است.

### نماد غسل تعمید

غسل تعمید، یکی از آیین‌های دینی برای کسب بخشش از گناهان و زندگی دوباره است. تعمید، در مسیحیت عملی است که کودکان و کسانی که به دین مسیحیت می‌گروند به آیین مخصوص به‌جای آورند. غسل تعمید، در واقع همان آیین تطهیری است که در مذاهب گوناگونی مانند مسیحیت و آیین سیک‌ها رواج دارد و احتمالاً ریشه‌ی آن آیین‌های طهارت یهودی است ([www.iranica.org](http://www.iranica.org)). آیین غسل تعمید، نماد منزّه شدن از گناه و پیوند فرد مؤمن با مسیح توسط یحیی تعمیددهنده در رود اردن است. در انجیل متی (باب سوم، آیات ۱۱-۷) درباره‌ی یحیی ع چنین آمده است: و در آن ایام، یحیی تعمیددهنده در بیابان یهودیه ظاهر شده و موعظه کرد، که توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است، زیرا همین است آن‌که اشعیای نبی از او خبر داده می‌گوید: صدای ندا کننده‌ای در بیابان، که راه خداوند را مهیا سازید و طریق او را راست نمایید. این یحیی تعمیددهنده واعظ عدالت بود و لباس از پشم شتر می‌داشت و کمربند چرمی بر کمر داشت و خوراک او از ملخ و عسل دشتی بود. در این هنگام، اورشلیم و تمام یهودیه به جمیع حوالی اردن نزد او بیرون می‌آمدند و به گناهان خود اعتراف نموده و در رود اردن از وی تعمید می‌یافتند. پس چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان را دید که به جهت تعمید وی می‌آیند، به ایشان گفت: ای افعی زادگان که (= چه کسی) شما را اعلام کرد که از غضب آینده بگریزید؟ اکنون ثمره‌ی شایسته توبه بیاورید (لوقا، باب سوم، آیات ۱-۹؛ مرقس، باب اول، آیات ۱-۷). تعمید یحیی تعمیددهنده، اشاره به پاکی و طهارت باطنی دارد که از طریق توبه‌ی حقیقی حاصل می‌شود و چنان‌که آن حضرت نیز از کسانی که قصد تعمید یافتن داشتند؛ مقدمات، توبه، اعتراف به گناهان، پشیمانی و توبه از آن‌ها و ایمان به خداوند را، طلب می‌کرد (قاموس کتاب مقدس، ذیل تعمید، یحیی تعمیددهنده).

به نظر می‌رسد که تعمید به تنهایی باعث آمرزش گناهان نمی‌شود؛ بلکه تنها کسانی به واقع تعمید می‌یابند که گناهان ایشان آمرزیده شده باشد. ایمان راه نجات و آماده‌سازی زندگی معنوی است. کسی که برای نخستین بار تعمید داده می‌شود، شیطان را منکر می‌شود. انکار اهریمن در حقیقت سوگند جنگ با شیطان و دوری از کردارهای زشت و پلید است. غسل تعمید، نماد تولد و زندگی دوباره‌ی مؤمن است. آن علامتی که تعمیددهنده بر پیشانی شخص تعمید گیرنده می‌گذارد، نشانه‌ی آن است که سر به‌عنوان منشأ و خرد و اندیشه در نبرد با دیوان، مهم‌ترین عضو و اندام

انسان است. زانو زدن علامت و نماد افتادن ما به دامان گناه و برخاستن از حالت زانوی زنی برای ستایش نشان برخاستن مسیح است که با شفاعت او طبیعت شخص تعمید گیرنده بیدار می‌شود (متن ششم، قطعه، Williams, 1985: 112, 56V). به اعتقادی، در هنگام تعمید، هم تعمیددهنده و هم تعمیدگیرنده باید تا نزدیک کمر در آب فرو روند، و درست مانند عمل تدفین؛ تعمیددهنده باید تعمیدگیرنده را به پشت و به نام عیسی مسیح ﷺ در آب فرو برد و بلافاصله از آب خارج کند و این حرکت بر آن دلالت می‌کند که تعمیدگیرنده با عیسی مسیح ﷺ برای حیاتی تازه قیام کرده است. بنابراین، نه آب پاشیدن و نه ریختن آب بر روی شخص، هیچ‌کدام تعمید به حساب نمی‌آیند. تذکر این نکته لازم است که آداب تعمید بر قیام و تولد دوباره‌ی حضرت مسیح ﷺ سه روز پس از مرگ (به اعتقاد مسیحیان) اشاره دارد.

### ج- متن ششم 57R، بند ۱ تا ۱۶ (روی صفحه)

برگردان فارسی:

- (۱) این آفریده (= بنده) در گذشته (= مرده) که می‌گفت برگزیده شده [و] پذیرای غسل تعمید این و آن (= فلان) شد
- (۲) و نمی‌گوید که خود تعمید می‌دهم [و] نمایان شد که دیدار او [ممکن] نیست
- (۳) این کار مهبی [است] ولی کار نیک، ارزشمند و بغانی انجام شد برای روز
- (۴) سپاسگزاری [و] از معراج که نشان [آن] بر سنگاب تعمید است. معراج خداوند عیسی
- (۵) که از گور برخاست [با] شال (= حمایل) و سرپوش و بر نوکیشان (= تعمید شدگان) سرنشان داد برای
- (۶) اصالت (= که هویت او را بشناسند)، و پذیرفتند مسیح [را با] جامه سپید که همانند آن
- (۷) شکوه آسمانی بود، آنکه در برابر نوکیشان نشان
- (۸) برکت (= هدیه) آسمانی را [چون] چراغی نمایان کرد [و] با شناخت کامل پذیرفتند با تعمید
- (۹) و به نام پدر، پسر و روح القدس، خداوند عیسی
- (۱۰) برای این سه نام درخواست نیرو [کرد] و برخاست از گور و بالا رفت و به سوی
- (۱۱) آسمان، بر نوکیشان ظهور [کرد] با تعمید به سوی هیکل [رفت و] نمایان کردند
- (۱۲) بر ایشان داماد معنوی، کلام مکتوب مسموع [همانند] نان [و]
- (۱۳) آبی که ایشان [بدان] تغذیه می‌شوند، مردمان برگزیده (= مؤمن) [با] دست تعمید آموختند
- (۱۴) [و] دیدند و تعمید شدند با روح او از همه‌ی اندیشه‌های زشت و نوکیشانی که
- (۱۵) تعمید نکردند [برایشان] نمایان شد [که او] به نیروی پنهانی ایشان که وعده کردند، ناتوانی [و]

(۱۶) نیازمند نیست. با درود (= صلح) غسل تعمید او [ایشان را] و بر آن گروندگان بخشیدند یک [و] و دومین را [...] و حرکت کرد  
این که تعمید دهنده می گوید: «فلان تعمید را می پذیرد»، و نمی گوید که «فلان را تعمید می دهم»، نشانه‌ی آن است که بر این کار مهیب با رحمت الهی ارزش می بخشد. برخاستن از سنگاب تعمید، نماد معراج عیسی است و شال و سرپوش بر سر نوگرویده، نشانه‌ی آن آزادی است که از عیسی مسیح پذیرفته است. لباس سفید نمادی از شکوه بهشتی است و بوی خوش که در مقابل نوگرویده می گیرند، نمادی از برکت است؛ چراغ نشان درک آن روشنایی است که نوگرویده با تعمید به نام آب و این و روح القدس پذیرفته است. همان گونه که عیسی مسیح با توسل به نیروی این سه نام از گور برخاست و به بهشت عروج کرد (متن ششم: قطعه، Williams, 1985: 57R, "p, 113, 57R").

### عشاء ربانی

عشاء ربانی یا آیین سپاسگزاری، آیین مقدسی است که در تمام فرقه‌های مسیحیت، برگزار می شود. منشأ این آیین به آخرین شامی باز می گردد که عیسی مسیح ﷺ در شب دستگیری خود توسط سربازان رومی با حواریون خود خورد.  
در انجیل یوحنا، عیسی ﷺ خود را نان می نامد و می گوید: من نان حیات هستم، این نانی است که از آسمان نازل شد تا هر که از آن بخورد نمیرد» (یوحنا، ۶: ۴۸ تا ۵۱). این بدان معنی است که اگر از جسم عیسی ﷺ، که همان مایه‌ی حیات است، نخورید فاقد حیات هستید. نان و شراب به عنوان ارکان و اجزای اصلی عمل عشاء ربانی دارای مفهوم خاص در مسیحیت است. بر آیین عشاء ربانی نام شام خداوند، شکستن نان، مجلس سپاسگزاری و شراکت هم اطلاق شده است. این عمل نماد حلول به جسد الهی قلمداد می شود. در اناجیل روایت شده که عیسی ﷺ در آخرین شب حیات خود، که شب عید فصح یهودیان بود، به اتفاق شاگردان به سنت کتاب مقدس، شام دسته جمعی (شام آخر) صرف کردند (www.pajoohe.ir). در قطعات: 57V و 57R از بند ۱۷ تا ۳۳ به عشاء ربانی و برخاستن عیسی ﷺ از گور پرداخته شده است.

### د- ۵۷۷ (پشت صفحه)

برگردان فارسی:

- (۱) هنگام... آسب، تمنای دعاست [از] آن که برخاست با سپاسگزاری، آن که
- (۲) بر آفریدگار به عشق و به دوری از بدی و ایمان
- (۳) به کوتاهی (= قصور) و چشم پوشی از خواست های ضروری و رهایی [دارد]
- (۴) آن که از وسوسه و هوشیاری از اهریمن همان که [...]
- (۵) متبرک [و] قدسی [است] و سپاسگزار قدیسین است، به دختر طبیعت
- (۶) آن که شایسته (= سزاوار) فنا کرد [به] پاکی نام خویش بر نماد [شَمَن] [و] تن مسیح [را]

- (۷) پذیرفته است و دیدار مردم... [را] بردست راست  
 (۸) که گسترده بود و چنان نهاده بود نشانی بر (سمت) چپ [و]  
 (۹) آن هدیه‌ای است، اهدا شده و پذیرفته شده و معنوی است و نامیرا  
 (۱۰) زندگی رهین تبرک [است] [و] در شب رستاخیز (= معراج) خداوند ما پدیدار  
 (۱۱) است، آن‌که با مریم به سوی آن یاری رسان، به سوی زمان رستاخیز رفت  
 (۱۳) آن‌که نماد سپاسگزاری است، که نماد سود (= نجات) است [و این] بخاطر  
 (۱۴) ظهور (= وحی) خداوندگار ما است، که با پیامبران... چیزهایی گردآوری  
 [کردند]  
 (۱۵) چنین می‌گوییم که [این] نه خواری (= سبکی) ولی مقدس و با شکوه  
 [است]. کسی که شایسته‌ی نزدیک شدن است  
 (۱۶) بر همه کس.

#### ه- متن ۵۷R، بند ۱۷ تا ۳۳ (روی صفحه)

برگردان فارسی:

- (۱۷) و دور کرد دشمن را دیگر بار که [در] محراب (= مذبح) است. مسیح از مکان  
 گور  
 (۱۸) نان و می (= شراب) برای ما [آورد] از تن خداوند عیسی  
 (۱۹) که نماد خون است، شال بر [و] فراز [برد] که نشان کوچک  
 (۲۰) است، در آن دیر بودایی که نهاده شده و بر دروازه‌ی گور خداوند عیسی  
 (۲۱) پرده کشیدند، پرده‌ای نیلگون از روحی که میان ماست. به سوی  
 (۲۲) مکانی آسمانی، به سوی سه برگزیده‌ی کامل پذیرفته شد. روح خداوند  
 عیسی  
 (۲۳) که در [آن] مکان است، سپس با اهریمن جنگید، سپس با تعمید به سوی  
 آسمان [رفت]  
 (۲۴) و دوم زبان است که بر [سر] کلیسا [است] و سوم نقاش  
 (۲۵) است که نقش کرد مینوان [را] و آمد [چون] نماد گماشته‌ی خیرات، دوم  
 آن‌که با محراب  
 (۲۶) فرستادگان (= فرشتگان) شباهت دارد و پای خداوند  
 (۲۷) [بر] کنار بالش پدیدار [شد] و بند حمایل بر شانه‌ی چپ ایشان بسته شد.  
 (۲۸) و نمایان شد فرمان بر شنندگان، این بار که او فرمانروا باشد  
 (۲۹) بر سر [ایشان]، پس بر دو شانه، شال قدسی انداخت، سه بار  
 (۳۰) و صدا زد بر مردمان که نشان بازگشت است بر [ایشان] و با این  
 (۳۱) [نماد... آن] [و] که از پیش دید  
 (۳۲) [و] پاسداران [و] همانندی است  
 (۳۳) ... معراج مسیح  
 درباره‌ی عشاء ربانی در کتاب مقدس (هاکس، ۱۳۴۹) چنین آمده است؛ به  
 ایشان گفت: «اشتیاق بسیار داشتم که پیش از زحمت دیدنم، این فصیح را با شما

بخورم؛ زیرا به شما می‌گویم از این دیگر نمی‌خورم تا وقتی که ملکوت خدا تمام شود» (لوقا، باب بیست و دوم، آیات ۱۱-۱۴). «و چون غذا می‌خوردند، عیسی نان را گرفته برکت داده پاره کرد به ایشان داد و گفت، بگیریید و بخورید که این جسد من است که برای شما داده می‌شود». و پیاله‌ای گرفته شکر نموده و به ایشان داد و همه از آن آشامیدند و به ایشان گفت: «این است خون من از عهد جدید که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود» (متی، باب بیستم، آیات ۲۶-۲۸). عیسی از ریخته شدن خون خود در ابریق و پیاله می‌گوید و منظور او شراب نیست، بدان جهت او خود را چون قربانی فصیح قوم یهود می‌داند که با خون خود از دیگران رفع بلا می‌کند.

مؤمن مسیحی در مراسم عشاء ربانی، در جایگاه روح حضرت عیسی علیه السلام قرار می‌گیرد که با شیطان درآویخت و به بهشت عروج کرده به منزله‌ی زبانی در سر کالبد کلیسا می‌گردد، نقاشی است که معنویات را به رمز نقش می‌زند، شماس‌ها (دو تن در محراب) نماد فرشتگانی هستند که از پاها و سر سرور ما برآمدند. افتادن و زانو زدن آن‌ها بر روی زمین نماد آن نگاهبانانی است که بر گور عیسی پاس می‌دادند و به هنگام رستاخیز و قیام عیسی از ترس بر زمین افتادند (Willims, 1985: p. 113). در قطعه‌ی «57R»، از متن ششم چنین آمده است که محراب کلیسا نماد و نشانه‌ی گور عیسی مسیح است، نان و شراب نشانه‌هایی از تن و خون عیسی مسیح‌اند، سرپوشی که بر روی بشقاب و پیاله می‌نهند، نماد سنگی است که بر روی گور عیسی نهاده شده بود. چنان‌که پیش‌تر آمد، نان و شراب، نماد تن و خون مسیح است؛ اما درک عمیق‌تری از سخنان عیسی علیه السلام چنان می‌نماید که نان و شراب نمی‌تواند عیناً جسم و خون عیسی مسیح علیه السلام باشند. انجیلیون معتقدند که مضامین این تکالیف دینی و معنوی یادآور شکنجه و مرگ مسیح و رهایی مسیحیان از گناه است و این تا زمانی ادامه دارد که عیسی نجات‌دهنده که مراسم شام مقدس را نهادینه کرده باز گردد و در ملکوت خداوند همراه با همه‌ی فدیة‌شدگان مراسم عشاء ربانی را برپا کند.

### نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی متون سغدی نشانگر آن است که آموزه‌های کلیسای ارتدوکس شرقی، نظیر آسیای میانه و سغد در طول شاهراه ابریشم درباره‌ی نمادهایی چون اعتراف و طلب آمرزش و تعمید، تقریباً با آموزه‌های کلیسای کاتولیک رُم یکسان بوده است. امروزه این نمادها طی مراسمی، با اندک تفاوت در مسیحیت شرقی و غربی برگزار می‌گردد. آیین اعتراف در آغاز پیدایش مسیحیت به صورت گروهی برگزار می‌شد، اما در ادوار بعد اعترافات به صورت شخصی و در خفا انجام گرفت و بدین ترتیب آبروی افراد حفظ می‌شد. سنت اعتراف به نوبه‌ی خود باعث کاهش جرائم عمومی در جامعه‌ی مسیحی می‌شد. نماد تعمید نیز در هر دو مسیحیت شرقی و غربی متحول شده است. عشاء ربانی در تمامی فرقه‌های مسیحیت برگزار می‌شود. نماد دیگری که در کلیسای نسطوری (ارتدوکس) دچار تحول شده بود، زهد و ریاضت بود. کلیسای

کاتولیک ژم او را به بدعت و انحراف در دین محکوم و طرد کرد. کشیشان کلیسای نسطوری برخلاف کلیسای کاتولیک برای عیسی عَلَيْهِ السَّلَام قائل بر بدن زمینی بودند و خود را از قید و بند زهد و ریاضتی که کشیشان کاتولیک بر خود هموار می‌کردند، رها ساختند؛ بدین ترتیب اسقف‌های مسیحی نسطوری حق ازدواج یافتند. در این راه مسیحیان سغدی زبان با وجود آزار، شکنجه و پیگرد دولت‌ها و پیروان ادیان دیگر، همواره در ترویج مسیحیت پیش‌گام بودند و کشف آثار سغدی مسیحی کلیسای نسطوری در تورفان چین گویای فداکاری‌ها و کار عظیم فرهنگی این قوم ایرانی است.

## پی‌نوشت

1. Reichelt
2. Rosenberg
3. Benveniste
4. Gerchvitch
5. Sims. Williams
6. Henning
7. Zachau
8. Muller
9. Hansen
10. Schwartz

## کتابنامه

- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۸۰، تاریخ زبان فارسی. تهران: سمت.
- ارانسکی، یوسیف م، ۱۳۷۸، زبان‌های ایرانی. ترجمه‌ی علی اشرف صادقی، تهران: انتشارات سخن.
- بهار، مهرداد، ۱۳۸۲، ادیان آسیایی. تهران: نشر چشمه.
- زرشناس، زهره، ۱۳۸۰ الف، جستارهایی در زبان ایرانی میانه شرقی. گردآورنده: ویدا نداف، تهران: مؤسسه‌ی انتشاراتی فروهر.
- زرشناس، زهره، ۱۳۸۰ ب، شش متن سغدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شکری فومشی، محمد، ۱۳۹۴، «درود بر پدر، پسر، روح‌القدس»، پژوهش‌های ادیبانی، شماره‌ی ۱۴، سال ۵، صص: ۳۵-۴۸.
- قریب، بدرالزمان، ۱۳۷۴، فرهنگ سغدی (سغدی، فارسی، انگلیسی)، تهران: فرهنگان.
- نفیسی، سعید، ۱۳۴۳، سرچشمه‌ی تصوف در ایران. انتشارات فروغی.
- هاکس، جیمز، ۱۳۴۹، قاموس کتاب مقدس. ترجمه‌ی پیروز سیار، تهران: انتشارات طهوری.
- هینلز، جان راسل، ۱۳۸۵، راهنمای ادیان زنده. ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، قم: مؤسسه‌ی بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه.

- Gerchevitch, I. A., 1954, *Grammar of Manichean Sogdian*. Oxford.
- Gillman, I. & Klimkeit, H., 1999, *Christian in Asia Before 1500*. Curzon press, Richmond surrey, Great Britian.
- Henning, W. B., 1937, *Manichäisches Bet und Beichtbuch*. APAW Berlin.
- Henning, W. B., 1984, *The Date of the Sogdian Ancient Letters*. Bulletin of the School of Oriental and African Studies.
- Hansen, O., 1954, *Berliner; Sogdische Text II*. Berlin.
- Schwartz, M., 1967, *Studies in the texts of the Sogdian Christians*. Ph.D. Dissertation, University of California, Berkeley.
- Sims Williams, N., 1985, *The Christian Sogdian Manuscript C2*. Akademie – Verlag , Berlin.
- Sims Williams, N., 1988, “Christ in Manicheism”, *Encyclopedia, Iranica*, Vol 5, Routledge and kegon paul, London and New York. p.535.
- Sims Williams, N., 1990, “Bulayiq”, *Encyclopedia, Iranica*, Vol , IV C2 , Routledge and kegon paul, London and New York.
- <http://www.kelisanet.org/shamframe.html>
- <http://www.pajoohe.ir> (پژوهشکده‌ی باقرالعلوم)
- <http://www.iranica.org>
- <http://turfan.bbaw.de>